گفت‌وگو با رضا فهیمی، کارگردان فیلم سینمایی «دوباره زندگی»

دنبال نشان دادن اصالت‌ها بودم نه فقر

۱۲

شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸
۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۰
۱۳ جولای ۲۰۱۹
سال سی و دوم
شماره ۹۰۱۱
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

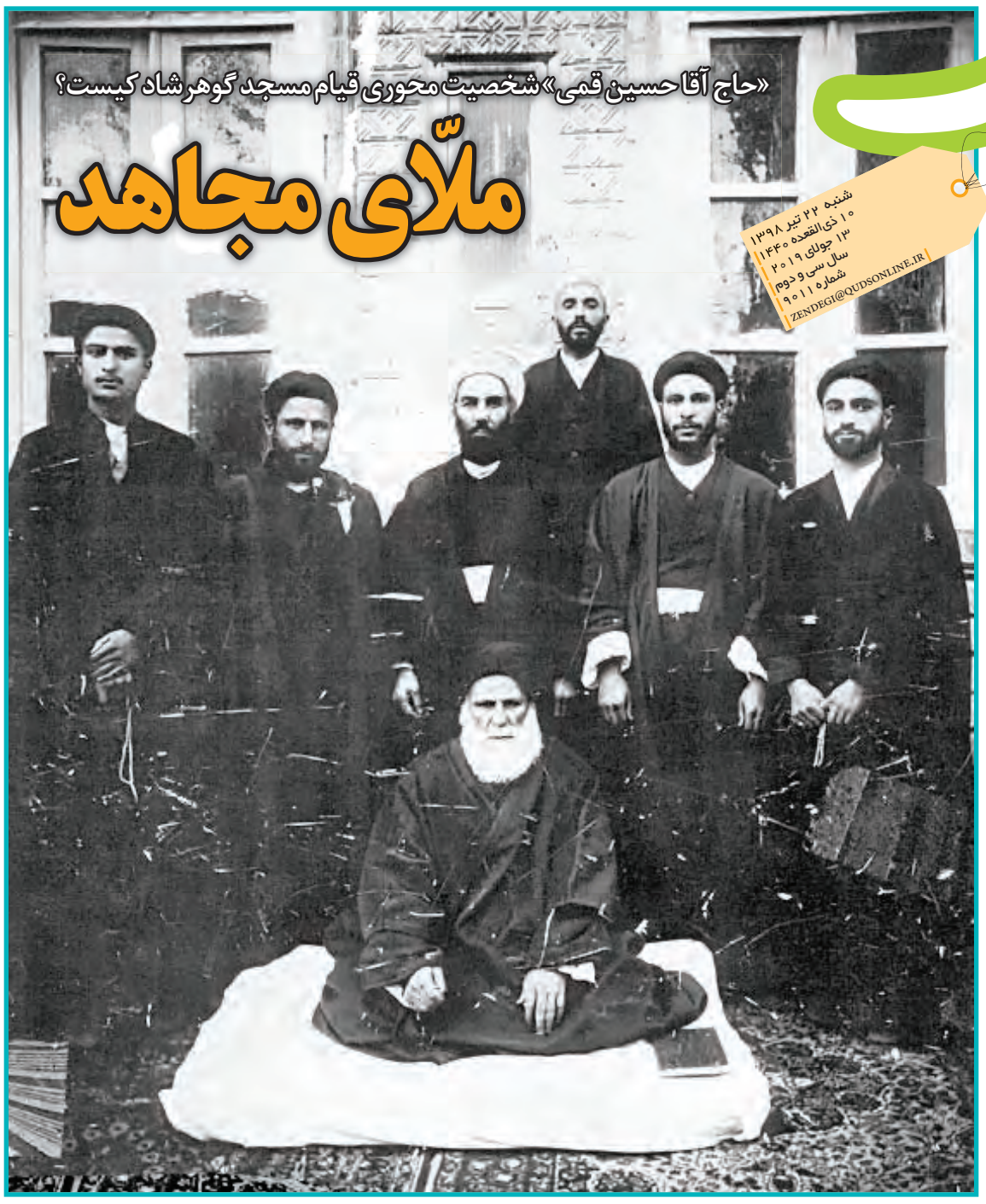

«حاج آقا حسین قمی» شخصیت محوری قیام مسجد گوهرشاد کیست؟

ملّای مجاهد

مجید تربت‌زاده | در ماجرای هشتاد و چهار سال پیشِ مسجد گوهرشاد، این فقط حجم کشتار مردم بی‌دفاع نبود که ناگفته ماند. نقش و تأثیر برخی از شخصیت‌هایی که وجود و اندیشه‌شان آتش قیام را شعله‌ور کرد هم از جمله این ناگفته‌هاست. مثلاً شخصیتی مانند «سیدحسین طباطبایی قمی» که گویا محور اصلی و قامتِ قیام گوهرشاد به حساب می‌آید.

ملّای مجاهد

همین اول مطلب، پیش از اینکه چیزی مثل زندگی‌نامه برایش بنویسیم یا مثلاً بگوییم شخصیت امروز، همان پدربزرگ «امام موسی صدر» است، اجازه بدهید سیدحسین طباطبایی قمی را جور دیگری به شما معرفی کنیم. رهبر انقلاب، دو سال پیش در مشهد گفتند: «... ببینید اصلاً قضیه مسجد گوهرشاد برای چه به وجود آمد؟ این را فراموش نکنیم. نکته محوری، مرحوم حاج‌آقا حسین قمی است... سر مسئله کشف حجاب گفت من می‌روم با رضاشاه صحبت می‌کنم و مجبورش می‌کنم که گوش کند... یعنی عنصر مرحوم حاج آقا حسین قمی فراموش نشود... یک ملّای واقعاً مجاهد فی سبیل اللهِ نترس و آماده‌ای که حاضر بود برود در دهان شیر... بلند شد رفت، تنها رفت؛ با خودش مثلاً حشم و خدم و این‌ها نبُرد... فقط دو تا از پسرهایش ظاهراً رفتند...».

«ملّای مجاهد»ی که رهبر انقلاب دو سال پیش از او یاد کردند در واقع همان نوزادی است که ۲۶ آذر ۱۲۲۴ خورشیدی در شهر قم به دنیا آمد. چند سال بعد نوآموز یکی از مکتبخانه‌های این شهر شد و بزودی در کسوت طلبگی پای درس استادان صرف و نحو و منطق نشست. ۱۵ یا ۱۶ ساله بود که به تهران آمد تا درس‌های دوره «سطح» را بخواند. سال‌های مختلف درس خواندنش را اگر جمع بزنید، یعنی از دوره آغاز تحصیلات در قم بگیرید، هفت سال درس خواندن در تهران، دو سال در سامرا، دوباره پنج سال دیگر در تهران، حدود ۱۰ سال در نجف و باز هم ۱۰ سال دیگر در سامرا را به آن اضافه کنید، به عدد ۴۰ می‌رسید! یعنی ملّای مجاهد دقیقاً نیمی از عمر ۸۱ ساله‌اش را به درس خواندن گذرانده است.

شما بروید به مشهد

۴۰ سالگی، دوران اوج تحصیلات و مراحل آخر طلبگی‌اش است تا سیدحسین درس‌هایی را که چند سال پیش آموختنشان را نزد «میرزای شیرازی بزرگ» در سامرا آغاز کرده بود، حالا و پای درس‌های آیت‌الله «میرزا محمدتقی شیرازی» یعنی میرزای دوم به سرانجام برساند و مراحل بالای علمی را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و بشود نورچشمی و شاگرد خاص «میرزای شیرازی دوم». طوری که از این دوره به بعد، استاد، مقلدانش را برای مسائل احتیاطی به سیدحسین ارجاع می‌داد. آن‌هایی که با مسائل تقلید و سیره مجتهدان بزرگ آشنایند، می‌دانند که معنی این ارجاع دادن‌ها چیست. آیت‌الله سیدحسین طباطبایی قمی حالا در آستانه ۵۰ سالگی و پس از میرزای شیرازی، مجتهد اعلم به حساب می‌آمد. در همین دوره هم درخواست‌های مکرر مردم و علمای مشهد برای فرستادن عالمِی با تقوا و مجتهدی دانا و توانا به دست میرزای شیرازی رسید. میرزا به شاگرد برجسته‌اش، مشهد را پیشنهاد کرد تا سیدحسین پس از ۱۰ سال اقامت در سامرا راهی مشهد شود، از همان ابتدای ورود با برپایی نمازهای جماعت و مراسم مختلف، ارتباط گرم و مناسبی با مردم پیدا کند، به مشکلاتشان رسیدگی کند، اوضاع محرومان شهر را سروسامانی بدهد، زعامت حوزه علمیه را به عهده بگیرد و بشود پیشوای مذهبی و اجتماعی مردم خراسان.

جشن بی‌حجابی در شیراز

چند سالی اجازه نداد اطرافیانش، اجتهاد و مرجعیتش را توی بوق و کرنا کنند. رساله‌ای هم نداد و نپذیرفت به او لقب مرجع تقلید بدهند. نه برای اعلام مرجعیت و نه با هدف رسیدن به مرجعیت، به مشهد آمده بود. همه همّ و غمّش را گذاشته بود برای تدریس و تربیت شاگردان برجسته و بعد هم رسیدگی به مسائل و مشکلات مادی و معنوی مردم خراسان. ملّایی که به قول رهبر انقلاب، پای ایستادن بر سر اصول دینی و فرهنگی مردم، پیهِ رفتن در دهان شیر را به تنش مالید. روحانی کم نام و نشانی نیست که بگوییم می‌خواهد با ماجراجویی، از نمدِ اجباری شدن «کلاه پهلوی» برای خودش، کلاه شهرت و اعتبار فراهم کند. درست است که از حدود سال‌های ۱۳۱۱ یا ۱۳۱۲ به دلیل درخواست‌ها و پیگیری‌های پی‌درپی مردم و متدینان، رساله احکامش در ایران منتشر شده و مرجعیتش رسمیت پیدا می‌کند، اما از جمله مجتهدان عافیت‌طلب و گوشه‌نشینی نیست که وقتی می‌بیند عده‌ای دارند با گذاشتن «کلاه پهلوی» روی سر ملت، هویت آن‌ها را به تاراج می‌برند، آرام بنشیند و تماشاگر بماند تا مبادا مثلاً به مقام مرجعیتش لطمه‌ای بخورد. وقتی رژیم پهلوی نخستین پرده نمایش بی‌حجابی را ۱۳ فروردین ۱۳۱۴ در «جشن شیراز» اجرا می‌کند، ۴۰ زن و دختر بی‌حجاب را به رقص و پایکوبی وا می‌دارد و آیت الله «فال اسیری» را که به این جشن اعتراض کرده به زندان می‌اندازد، همزمان با قم و تبریز، علمای حوزه علمیه در مشهد نیز عَلَم اعتراض را بلند می‌کنند.

اسلام فدایی می‌خواهد

از جمله علمایی است که خیلی زود متوجه می‌شود و اعلام می‌کند آیین‌نامه‌های تغییر پوشش و لباس اجباری کارمندان و بعد اجباری شدن کلاه پهلوی یا شاپو برای مردم که از مدتی پیش به اجرا گذاشته شده، مقدمه تغییر پوشش و حجاب زنان و دختران نیز هست. برخی‌ها برای آرام کردن اوضاع، شایعه ساخته‌اند که شاه با کارهای انجام شده در جشن شیراز مخالف است و این ماجرا بدون اطلاع او انجام شده است. «علی اصغر حکمت» وزیر فرهنگ اما در یک سخنرانی به صراحت اعلام می‌کند همه امور مملکت با نظر شخص رضاخان و دستور او اداره می‌شود. اخبار شهرهای مختلف از جمله خبر سخنرانی «حکمت» که به مشهد می‌رسد، آیت الله سیدحسین قمی در سخنانی که به گریه شدید ختم می‌شود، اعلام می‌کند: «... خلاصه اینکه اسلام در خطر است... امروز اسلام فدایی می‌خواهد... من حاضرم فدا شوم...». این موضع‌گیری، حجت را بر خیلی‌ها تمام می‌کند. چه مقلدانش، چه سایر مردم و چه روحانیون و استادان حوزه علمیه مشهد متوجه می‌شوند وقتی مرجع تقلیدی چون او با گریه می‌گوید امروز اسلام فدایی می‌خواهد، خطر تا چه حد جدی است!

حواسش به همه چیز بود

همدوره‌هایش درباره شخصیت آرام و مسالمت‌جویش گفته و نوشته‌اند و اینکه مرجع تقلید خراسان و ایران، حواسش به همه چیز بوده است و همواره در قدم و مرحله نخست تلاش می‌کرده تا جایی که مخالف شرع نیست و پای امنیت و حفظ حقوق مردم در میان است به قوانین کشور پایبند باشد. با این همه اهل کوتاه آمدن در مقابل هنجارشکنی و بی‌حرمتی به اعتقادات مردم هم نبوده است. صابون این روحیه‌اش را هم یک بار به تن رضاخان زده بود تا بلکه شاه مملکت حساب دستش بیاید که باید مراعات چه چیزهایی را بکند: «رضاخان از سفر جنگی برمی‌گشت و دستور رسیده بود از هر شهری می‌گذرد چراغانی کنند و جشن بگیرند. آیت الله قمی اما با توجه به همزمانی این مراسم با سالگرد شهادت مسلم بن عقیل دستور لغو مراسم را صادر کرد. چنان نفوذ کلامی داشت که از کلانتری‌ها گرفته تا کنسولگری افغانستان چراغ‌ها و ریسه‌ها را باز کردند و از استقبال شاه سر باز زدند...».

این بار هم آیت‌الله در قدم نخست معترضان را به آرامش دعوت کرد، جلسه گذاشت، نظر علمای دیگر را خواست. استاندار و نایب‌التولیه آستان قدس را خبر کرد و از آن‌ها خواست نظراتش را به شاه برسانند. وقتی دید نصیحت و پیشنهادها درست به گوش رضاخان نمی‌رسد، با مشورت دیگر علما تصمیم گرفت برای دیدار و صحبت با رضاخان خودش به تهران برود.

خفه‌اش می‌کنم

رضا خان و برنامه‌های پشت پرده سیاستمداران را خوب می‌شناخت. چه بسا تهِ ماجرا را هم می‌دانست اما مأمور به انجام وظیفه بود. گفته بود که اسلام به فدایی نیاز دارد اما می‌دانست قدم نخست نصیحت و هشدار است. برای همین پیش از رفتن گفت: «اول به شاه اصرار و التماس می‌کنم که از برنامه‌های ضد دینی و اسلامی دست بردارد... اگر موافقت نکرد دست او را می‌بوسم... اگر باز هم موافقت نکرد خفه‌اش می‌کنم». رضاخان هم البته خوب می‌دانست چه کسی و چرا به دیدارش می‌آید و اگر سیدحسین قمی پایش به دربار و دستش به شاه برسد چه خواهد شد.

استقبال پرشکوه مردم تهران از مرجع بزرگ تقلید، دربار را بیشتر ترساند. رضاخان پیش از اینکه زمینه تبعید سیدحسین قمی را به عراق فراهم کند، دستور داد محل اقامت وی محاصره شود. نخست‌وزیر را هم به دیدارش فرستاد که با برخورد سرد آیت الله، دست خالی به نزد رضاخان برگشت. محاصره و بعد هم تبعید قرار بود مانع انتشار خبر نارضایتی مرجع‌تقلید از اقدامات رضاخان شود. قرار بود سدی بشود در برابر نارضایتی و قیام عمومی در مشهد و شهرهای دیگر. اما ماجرا دقیقاً برعکس شد. مردم و علمای مشهد وقتی از ماجرای محاصره مرجع تقلیدشان باخبر شدند، اعتراض‌ها را گسترش دادند و گردهمایی‌ها را از منزل برخی علما به مسجد گوهرشاد منتقل کردند. رضاخان و سیاستمدارانش انگار نمی‌دانستند دارند با دست خودشان به روشن شدن آتش قیام گوهرشاد کمک می‌کنند.

کلیدها

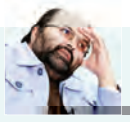

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

انسان، آزمون و داوری

(کسی کو آزمود، آنگاه پیوست/نباید بعد از آن خاییدنش دست/چو پیوندی و آنگاه آزمایی/ ز حیرت دست خود بسیار خایی/دل عاشق سکونت پیشه باید/عزیمت را نخست اندیشه باید) این بیت‌های زیبا و روان از اوحدی مراغه‌ای حاوی نکته‌ای است که هنوز هم در زندگی بسیاری از ما مغفول است و بسیاری از پیچش‌ها و بحران‌های زندگی مردم ما به خاطر همین نکته است. در هر حوزه‌ای اگر قرار است ارتباط و پیوند و همکاری ایجاد شود، ابتدا باید انسان طرف خود را بیازماید و به ارزیابی درستی از شریک و رفیق خود برسد. در بعضی از موضوعات مثل ازدواج این قاعده تا حدودی رعایت می‌شود، ولی به طور خلاصه می‌توان گفت این حکمت کهن در زندگی امروز ما بسیار مغفول است. انسانی با مهارت‌ها و توانایی‌های بسیار بالا هم اگر بدون سنجش و آزمودن در یک موقعیت خاص به کار گرفته شود، می‌تواند برای یک مجموعه انسانی بحران‌آفرین باشد. متأسفانه در این باره چنان که باید کار نشده است. واقعیت این است که اگر می‌خواهیم تنش‌هایمان در جامعه کاهش یابد و نیز بازده فعالیت‌های ما بالا برود، باید قواعدی مثل این به متون آموزشی تبدیل شوند و جزو مهارت‌هایی باشند که هر انسان در تعلیمات تحصیلی طبیعی خودش می‌آموزد. در حالی که این روزها به غلط در افواه عامه می‌چرخد که درباره دیگران نباید قضاوت کرد، اما گزینش و آزمون و داوری درباره انسان‌ها شرط اولیه انسان بودن است. البته در مواقعی که می‌خواهیم با مردم معاشرت‌های محدود بدون پیوندهای جدی داشته باشیم، طبیعی است نیازی به داوری نیست و به فرموده آن عارف ایرانی که گفت نانش دهید و از ایمانش مپرسید، باید به خلق خدا مهر ورزید و خدمت کرد. اما در ایجاد هر نوع اجتماع و جمعی که قرار است برای هدفی کار کنند آزمون و گزینش اهمیت حیاتی دارد و هر انسانی را دقیقاً برای همان کاری که قادر است انجام دهد باید مورد ارزیابی و داوری قرار داد. خیلی از آدم‌های خوب و حتی توانا هستند در موضعی به کار گرفته می‌شوند که مهارت آن را و یا دانشش را ندارند. مواردی دیگر هم هست که مهارت و دانش را هم دارند، ولی اخلاق مناسب آن مسئولیت را ندارند. این‌ها همه باید در آزمون بررسی شود. به طبع آزمون‌های این چنینی شبیه آزمون سراسری نیست، ولی ما باید برای آزمون‌هایی از این دست ایده داشته باشیم. فرض کنید یک جوان دانشمند و مهربان بدون آزمون اخلاقی مناسب در موقعیت شغلی‌ای قرار می‌گیرد که مراجعات و درگیری‌های بسیاری دارد و شکایت‌ها از آن موقعیت به طور طبیعی بسیار بالاست. بدیهی است این فرصت شغلی همان قدر که ممکن است این انسان را رشد بدهد، همان قدر هم ممکن است این آدم را نابود کند.

باور می‌کنید؟

وقتی دریا سرخ می‌شود

ممکن است پیش خودتان بگویید این مطلب بیش از اندازه بی‌مناسبت به نظر می‌رسد، اما در گرماگرم انتشار فیلم و عکس‌هایی از «خرس کشی»، «سگ کشی» و «گربه کشی» بعضی از هموطنان در فضای مجازی، آن هم با چاشنی خودتحقیری، بد نیست نگاهی هم به حیوان‌کشی در سرتاسر دنیا بیندازید:

نهنگ کُشی: قایق‌ها به سمت دسته نهنگ‌ها یا دلفین‌ها هجوم می‌برند. حضور ناگهانی قایق‌ها، نهنگ‌ها و دلفین‌های بیچاره را به قدری وحشت‌زده می‌کند که به طور گروهی به سمت خلیج شنا می‌کنند. صیادانِ نیزه به دست در خلیج می‌ایستند و چشم می‌کشند تا نخستین دلفین یا نهنگ از راه برسد. چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد که تمام دریا سرخ می‌شود. ژاپنی‌ها هرچقدر دم از انجام تحقیقات علمی روی لاشه نهنگ‌ها بزنند، تمامِ مردم دنیا می‌دانند که تجارت گوشت نهنگ چقدر در ژاپن درآمد دارد. البته ژاپنی‌ها همچنان باید جلوی اهالی «جزایر فارو» در دانمارک که برپایه رسم و رسوماتشان سالانه بیش از ۸۰۰ نهنگ را قتل‌عام می‌کنند، لنگ بیندازند!

گوسفند کُشی: اهالی «نپال» در مراسمی که حامیان حقوق حیوانات آن را بزرگ‌ترین قتل‌عام حیوانات در دنیا می‌دانند، هزاران گاو و گوسفند را از پشت گردن می‌زنند و به عنوان پیشکش به «الهه گادهیمای» تقدیم می‌کنند!

گاو کُشی: تنها قتل‌عامی که سالانه هزاران توریست را به خودش جذب می‌کند مربوط به مراسم «گاوبازی» ماتادورها در اسپانیا است که در آن پس از عبور دادن گاوها از کوچه‌های باریک، آن‌ها را در ورزشگاه بزرگی جمع کرده و با ضربه‌های پی در پیِ چاقوهای گران‌قیمت، زجرکُششان می‌کنند!

روزمره‌نگاری

نامادری آب

رقیه توسکی: **یک/** از جلوی خانه «نامادری آب» رد می‌شوم. ساختمان او هم جزو معدود ویلایی‌های برجامانده از نسل قدیم است. دو واحد جلوتر از خانه پدری. به دلیل اسراف ملقب شده به این عنوان عجیب. قریب به بیست و اندی سال است که مرغش یک پا دارد و نمی‌خواهد در وانفسای آب، بی‌خیال وسواسیتش شود و دو مرتبه در روز حیاط و پیش دروازه‌اش را نگیرد به شُرشُر شلنگ.

دو/ میانگین یک تا پنج بعدازظهر «بهاره» موفق می‌شود با انواع صداهای برقی نابهنجار از من پذیرایی کند و رکورد بزند.

لباسشویی هفت بار، جاروبرقی و سشوار یک مرتبه، چای‌ساز دو دفعه و در پایان ظرفشویی که کشان کشان می‌آوردش وارد معرکه اصوات.

اعصاب خط خطی‌ام را قورت داده و خیلی دوستانه صدایش می‌زنم و می‌پرسم: بهاره عزیزم، دریل احیاناً توی خرت و پرتات پیدا نمیشه..؟ از اونجایی که دیدم اینجا کارگاه فنی حرفه‌ایه نه استراحتگاه عرض کردم.. آخه من تا حالا به اشتباه فکر می‌کردم همه باید رعایت پیک و اوج بار سرمون بشه...! که بی‌ذره‌ای تغییر و احساس پشیمانی می‌گوید: یه آهنگ آروم میزارم. چند لحظه به چشات استراحت بده و راهش را می‌کشد و می‌رود.

سه/ روزهای زوج مال دور دور است. این تزِ غیرعقلایی و گس آقا «فرید» است که باک ماشین برادرخان را تا خرتناق پُر می‌کند و مثل اسبِ عصاری آن‌قدر زبان بسته را این طرف و آن طرف می‌کشاند تا خیر سرش، نشانگر بنزین بیفتد به سرخی.

مکث/ اسراف تاوان دارد و منابع انرژی، محصول کارخانه نیست که تا تمام شد بدهیم ثبت سفارش.

ورزش

۱۰ ۱۱

شاگردان استراماچونی لیگ را با امتیاز منفی شروع می‌کنند

شوک پروپئیچ به استقلال!

انتقادها از من در جام جهانی بی‌دلیل بود

آزمون: خبری از پیشنهاد لیورپول ندارم

مهاجم ایرانی تیم زنیت می‌گوید در جریان پیشنهاد لیورپول برای اضافه شدن به این تیم نیست ولی این را هم قبول دارد که بازی کردن کنار صلاح و مانه جذابیت‌های زیادی دارد. سردار آزمون درباره افزایش روند گلزنی‌اش در زنیت و تغییر در عملکردش گفت: خدا را شکر زنیت تیم هجومی و خوبی است و مهاجمان بیشتر دیده می‌شوند. بازیکنان بزرگی در خط حمله این تیم هستند و هر مهاجمی در این تیم می‌تواند خوب کار کند و گل‌های زیادی بزند. مهاجم ملی پوش ...

۳ چالش سولسشر در منچستریونایتد برای فصل آینده

از جوانگرایی تا جوّ رختکن!

مجاز آباد

یک لحظه غفلت

بتازگی تصاویری از کمپ سایبری مجاهدین خلق در فضای مجازی منتشر شده و حسابی در شبکه‌های اجتماعی سروصدا کرده است. «حسین دهباشی» با انتشار یکی از این تصاویر در صفحه اینستاگرامش نوشته است: «مایه‌اش فقط یک لحظه غفلت و لغزیدن است. این‌ها که دنیا را برای خودشان و دیگران جهنم کردند، زمانی می‌خواستند بهشت خدا را بیاورند روی زمین و چنین گند زدند، پایشان را از باب ادب جلوی پدر و مادرشان دراز نمی‌کردند و آخرش شدند این. حالا وای به عاقبت آن‌ها که از همین ابتدای مثلاً آرمانگرایی و انقلابی‌گری مشق متلک و بی‌ادبی و نابردباری می‌کنند در همین یک ذرّه مجال فضای مجازی...».

به شهادتِ تاریخ

ابوالقاسم طالبی با انتشار بخشی از فیلم «یتیم‌خانه ایران» در صفحه توییتری خود، به ماجرای توقیف نفتکش کشورمان در تنگه جبل‌الطارق توسط انگلیس پرداخت. طالبی در توییتر نوشته است: «به شهادت تاریخ، راهزنیِ مسلح دولت انگلیس همواره علیه ایران صورت گرفته و اینک با توقف کشتی نفتکش ادامه پیدا کرده و اما مزدورانی از جنس تقی‌زاده همزمان از خدمات دولت انگلیس تعریف و با آستانه‌بوسی سفارت، قلم و هنر به اجنبی می‌فروشند و کتاب رضاشاه با سند انگلیسی به چاپ می‌رسانند».

تحریم بی‌بی‌سی فارسی

عطاءالله مهاجرانی، سیاستمدار ایرانی که سابقه مسئولیت وزارت ارشاد در دولت اصلاحات را در کارنامه دارد، با انتشار پستی در صفحه توییتر خود نوشت: «برخی دوستان و نیز کامنت‌گذاران پرسیده‌اند، وقتی بی‌بی‌سی فارسی درباره تمامیت ارضی و وحدت سرزمینی ایران، از واژگان و ادبیات تجزیه‌طلبان تروریست استفاده می‌کند، آیا موجه است که من در برنامه‌های بی‌بی‌سی به عنوان میهمان شرکت کنم؟ نقد و اشکال وارد است، دیگر در هیچ برنامه بی‌بی‌سی شرکت نخواهم کرد».

جیغ‌های بنفش و غیرطبیعی

سریال «گاندو» اگرچه چند روزی است به پایان رسیده اما حواشی آن انگار تمامی ندارد! محمدحسین رنجبران، مدیرکل روابط عمومی سازمان صداوسیما در پی افزایش انتقادهای چهره‌های وابسته به دولت از سریال «گاندو» در فضای مجازی، در توییتی نوشت: «گاندو» هم قابل نقد است. شک نداریم. اما این حجم جیغ بنفش کشیدن طبیعی نیست. برخی در همین دولت، سریال و تکرارهایش را هم دیده و احساس غرور کرده‌اند. نامشان محفوظ که وزارتخانه‌ای بی‌وزیر نشود».

روزبه چشمی، چهارمین بازیکن خارجی الاهلی

ورزش: یک روزنامه قطری از روزبه چشمی به عنوان چهارمین بازیکن خارجی تیم الاهلی دوحه نام برد. به گزارش روزنامه العرب قطر، تیم الاهلی پس از تمدید قرارداد امید ابراهیمی دیگر هموطن او یعنی روزبه چشمی را به خدمت گرفت. محمد دیامی و نبیل الازهر دو بازیکن دیگر الاهلی هستند که پس از عقد قرارداد آن ها فهرست بازیکنان خارجی این تیم برای فصل جدید لیگ ستارگان تکمیل شد. الاهلی قطر از سه روز دیگر اردوی آماده سازی پیش فصل خود را در هلند برپا می کند و پنج بازی تدارکاتی نیز با تیم های این کشور برگزار خواهد کرد.

کریم انصاری فرد به السیلیه قطر پیوست

ورزش: باشگاه السیلیه به طور رسمی اعلام کرد کریم انصاری فرد را با قراردادی دو ساله به خدمت گرفته است. قرارداد بین طرفین در مقر این باشگاه قطری با حضور مدیران باشگاه السیلیه به امضا رسید. باشگاه السیلیه پس از مذاکرات فشرده ای که داشت، موفق شد این مهاجم ۲۹ ساله را به توصیه سامی الطرابلسی، سرمربی تونسی خود به خدمت بگیرد. انصاری فرد در این تیم قطری پیراهن شماره ۱۰ را به تن خواهد کرد. انصاری فرد سابقه بازی در تیم های اوساسونا اسپانیا، پانیونیوس یونان و المپیاکوس یونان را دارد.

شایعه استقلالی شدن بشار رسن برای بازار گرمی!

ورزش: انتشار یک پست دو نفره از بشار رسن و صفاهانی از سوی مدیر برنامه عراقی این بازیکن که هدف هر دو آن ها را یک باشگاه معرفی کرده بود، باعث شد تا شایعه انتقال این دو هافبک جوان به استقلال داغ شود. کانال های هواداری نیز با استناد به این موضوع مدعی شدند که با وجود کاهش درخواست مالی بشار رسن، مدیران پرسپولیس همچنان در مذاکره با این بازیکن تعلل کرده و نمی خواهند همچون قبل بازیکنان یا توصیه دیت کنند. نکته عجیب اما در ادعا و شایعه شکل گرفته اینجاست که بعد از جدایی طارق همام از استقلال، مقصد جدید این دو هافبک را استقلال معرفی کرده اند.

استراماچونی به دنبال جذب مهاجم کیه وو

ورزش: دو رسانه ایتالیایی تو تو مر کاتوو کالچو مر کاتو و مدعی شدند که آندرا استراماچونی، سرمربی استقلال پس از جذب شیخ دیاته از مدیران این تیم خواسته تا یک مهاجم دیگر که سابقه بازی در سری آ را دارد استخدام کنند. ماتئو پولچیانی، مهاجم تیم کیه وو ایتالیا که البته پست اصلی اش مهاجم کناری است، مدنظر استراماچونی قرار گرفته است. این بازیکن فصل گذشته در ۱۰ بازی برای کیه وو به میدان رفت اما موفق به گلزنی و دادن پاس گل نشد. البته در کل فصل ۲۰۱۹-۲۰۱۸ برای کیه وو خوب نبود و آن ها به سری بی سقوط کردند. این بازیکن ۲۸ ساله ایتالیایی که بر اساس سایت ترانسفر مارکت ارزش ۲ میلیون یورویی دارد.

ضد حمله

ستاره‌ساز «خط» ندارد!

ورزش: در مسابقه تلویزیونی ستاره ساز که برنامه استعدادیابی فوتبال است و مجریانش فیروز کریمی، مجتبی جباری، ذمومند بزیک، خداداد عزیزی هستند و محمدرضا احمدی، اجرایش می کند، اتفاق عجیبی افتاد. در مسابقه تک به تک، یکی از شرکت کنندها با کشیدن و خطا مانع از گلزنی رقیبش شد اما چون طبق قانون مسابقه، نمی توانستند خطا بگیرند، خطاکار پیروز شد و صعود کرد! بازنده بازی با قهر و بی واکنش به اشاره های خداداد و بقیه مسابقه را به اعتراض ترک کرد.

امیری: ۱۰۰درصد پرسپولیسی هستم

ورزش: چند روز پیش وحید امیری در شهرهای جنوبی دیده شد و سپس به سرزمین مادری اش رفت و اکنون نیز به عنوان خادم افتخاری حرم حضرت معصومه (س) معرفی شده است. در حاشیه مراسم وحید امیری در خصوص آینده فوتبالش نیز صحبت کرد و گفت: به امید خدا صددرصد پرسپولیسی هستم - ببینیم چه اتفاق رخ می‌دهد.

وکیل برانکو تهران را ترک کرد
چرا نماینده‌های پرسپولیس به استانبول رفتند؟

ورزش: وکیل برانکو ایوانکوویچ سرمربی گذشته تیم فوتبال پرسپولیس برای رسیدگی به بعضی امور شخصی به تهران آمده بود و پس از انجام کارهای خود صبح جمعه تهران را به مقصد زاگرب ترک کرد. نکته جالب توجه اینجاست که در هفته گذشته نه تنها نماینده از باشگاه پرسپولیس برای مذاکره با وکیل برانکو به استانبول رفتند که البته به گفته سرمربی گذشته پرسپولیس این مذاکرات بدون نتیجه بوده و هیچ خروجی نداشته است. مسئله دیگر این است که وقتی وکیل برانکو در این هفته به تهران آمده پس چه دلیلی داشت که نمایندگان باشگاه برای مذاکره با او به استانبول بروند و شاید بهتر بود که این جلسه به جای برگزاری در یک کشور خارجی در تهران برگزار شود تا بیشتر از این هزینه های ارزی روی دست باشگاه پرسپولیس گذاشته نشود.

ملاقات گل‌محمدی و مجیدی در هتل المپیک

ورزش: همزمان با ردوی تیم شهرخودرو خراسان و تیم ملی امید در هتل المپیک سب شد تا یحیی گل محمدی و فرهاد مجیدی، سرمربیان دو تیم در این هتل با یکدیگر دیدار کنند. سرمربی شهرخودرو برای تیم ملی امید کشورمان آرزوی موفقیت کرد. همچنین بازیکنان تیم ملی امید نیز با یحیی گل محمدی به خوش و بش پرداختند. مهدی مهدیخانی، محمد آقاجانپور و سینا زاهمیران، سه بازیکن شهرخودرو در اردوی تیم ملی امیدهای ایران هستند.

انتقادها از من در جام جهانی بی‌دلیل بود

آزمون: خبری از پیشنهاد لیورپول ندارم

ورزش: مهاجم ایرانی تیم زنیست می گوید در جریان پیشنهاد لیورپول برای اضافه شدن به این تیم نیست ولی این را هم قبول دارد که بازی کردن کنار صلاح و مانه جذابیت های زیادی دارد.

سردار آزمون درباره افزایش روند گلزنیش در زنیت و تغییر در عملکردش گفت: خدا را شکر زنیت تیم هجومی و خوبی است و مهاجمان بیشتر دیده می‌شوند. بازیکنان بزرگی در خط حمله این تیم هستند و هر مهاجمی در این تیم می تواند خوب کار کند و گل های زیادی بزند.

مهاجم ملی پوش زنیت سن پترزبورگ درباره جدا نشدن از لیگ روسیه گفت: من در این لیگ جا افتادم و با فرهنگ روسیه آشنا شدم. لیگ روسیه سخت است. شاید کمتر در ایران دیده شود تیم های خوبی وجود دارند. ما به یک هشتم هم صعود کردیم. به طور کلی لیگ روسیه خوب است و خیلی از جوانان از لیگ روسیه به لیگ های بهتر می روند.

اما در این لیگ با تیم روستوف نهایی لیگ اروپا دو مربی بزرگ هستند. باید مربی را با احترام بیاورید و با احترام هم بدرقه کنید. این طور نباشد که به حال خودش رها کنیم و بگوییم برو.

مهاجم تیم ملی فوتبال ایران اظهار کرد: فوتبال تهاجمی ویلموتس برای یک مهاجم خوب است. در جام جهانی وظیفه من این بود که تا لب خط دفاعی هم عقب بیایم و کارم سخت شد و مردم بی دلیل از من انتقاد کردند. وقتی تیم دفاعی بازی می کند مهاجم دیده نمی‌شود. در حالت برعکس هم وقتی تیم تهاجمی باشد مدافعان دیده نمی‌شوند.

شاگردان استراماچونی لیگ را با امتیاز منفی شروع می کنند

شوک پروئیچ به استقلال!

ورزش: در ماجرای پروئیچ و استقلال، تناقض های عجیبی دیده می‌شود. اینکه چرا مسئولان وقت استقلال و یک مدیر برنامه خود را بی اطلاع از فسخ قرارداد نشان می دادند، تعجب آور است. باشگاه استقلال به پرداخت طلب پروئیچ محکوم شده و در دادگاه CAS هم قرجاه خواهی آن ها به نتیجه نرسیده است. شمارش معکوس برای پایان مهلت پرداخت بدهی پروئیچ شروع شده و هر روز که می گذرد، هواداران استقلال بیشتر نگران کسر امتیاز و محرومیت می‌شوند. مسئولان فعلی باشگاه استقلال صرفاً بر اساس شنیده های خود خیال می کنند دو سال پیش پروئیچ یا ۳۰۰ هزار دلار حاضر به توافق بود اما پرداخت نشدن این مبلغ باعث شد تا برای تمام طلب ۳۷۰ هزار دلاری حکم بگیرد. برای این ادعا هیچ سند و مدرکی در دست نیست. منطقی هم به نظر نمی رسد که یک بازیکن خارجی قید ۳۷۰ هزار دلار را بزند و به دریافت ۳۰ هزار دلار قناعت کند. اما داستان پروئیچ که این روزها استقلالی ها را نگران کرده از کجا شروع شد؟

ردپای توفیقی در شروع ماجرا

پس از محکوم شدن استقلال به پرداخت ۳۷۰ هزار دلار، پندار توفیقی با شکایت به دادگاه CAS تمام مدارک موجود در باشگاه را ضمیمه پرونده کرد. دادگاه حکمیت ورزش پس از بررسی مدارک، در پاسخ به استقلال اعلام نامه ای ارسال کرد که بخشی از آن را در انتهای گزارش این مطلب می بینید. در نامه ارسالی به استقلال آمده که مطابق مستندات موجود در پرونده، موارد که استقلال مدعی آن شده با اسناد موجود در دادگاه CAS در تضاد است و هیچ کدام از این ادعا صحت ندارد. در نامه CAS به استقلال یک نکته جالب افشا شده است. پروئیچ در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۶ قراردادش را فسخ کرده و آن را به اطلاع استقلال و پرسپولیس فوتبال ایران رسانده است.

گاف مدیریت و شیطنت مدیر برنامه پروئیچ

نکته جالب اینجاست که باشگاه استقلال درست در تاریخی که پروئیچ قراردادش را فسخ کرده (۸ ژوئن ۲۰۱۶) نامه ای به مدیر برنامه های پروئیچ می فرستد و از او می خواهد تا این بازیکن را از زمان آغاز تمرینات مطلع کند. مدیر برنامه ایرانی پروئیچ بدون اشاره به اینکه امروز قرارداد فسخ شده، در پاسخ به استقلال اعلام می کند که نامه را برای پروئیچ ارسال کرده. مسئولان این پرونده هیچ اثری از راضی بودن پروئیچ به دریافت ۳۰ هزار دلار نیست. نکته سوم که از همه مهم تر است، تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۶ است که پروئیچ به استقلال نامه فسخ فرستاده، اما مدیر برنامه و مسئولان استقلال جوری وانمود کردهاند که انگار نه انگار این بازیکن قراردادش فسخ کرده است. چرا آن ها خود را بی اطلاع از فسخ وانمود کردهاند، از نکات مهم پرونده پروئیچ است که شاید این

CAS ادعای استقلالی ها را تپذیرفت

نامه دادگاه حکمیت ورزش به پندار توفیقی که به نمایندگی از استقلال به CAS شکایت کرده بود، چند نکته را آشکار کرده است. نخست اینکه تمام ادعاهای استقلال در این پرونده نادرست اعلام شده و CAS هیچ کدام از ادعاهای توفیقی را نپذیرفته است. نکته دوم، در این پرونده هیچ اثری از راضی بودن پروئیچ به دریافت ۳۰ هزار دلار نیست. نکته سوم که از همه مهم تر است، تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۶ است که پروئیچ به استقلال نامه فسخ فرستاده، اما مدیر برنامه و مسئولان استقلال جوری وانمود کردهاند که انگار نه انگار این بازیکن قراردادش فسخ کرده است. چرا آن ها خود را بی اطلاع از فسخ وانمود کردهاند، از نکات مهم پرونده پروئیچ است که شاید این روزها به درد مسئولان وقت استقلال بخورد تا دوباره از یک سوراخ گزیده نشوند.

۳۷۰ هزار دلار پرداخت نشده کسر امتیاز قطعی است!

باشگاه استقلال در حال حاضر باید ۳۷۰ هزار دلار بابت طلب پروئیچ ببرد‌ازد و چنانچه این اتفاق نیفتد، خطر کسر امتیاز و محرومیت بشدت این تیم را تهدید می کند. استقلال تا چند روز دیگر باید این بدهی را ببردازد و راه گریزی نیست، اما این تجربه باید پیستن برای مدیران استقلال باشد که به جای توجه به حرف های بدون سند، مدارک این پرونده را به دقت ببینند و به نکات و تناقض های آن پی ببرند.

۳ چالش سولسشر در منچستریونایتد برای فصل آینده

از جوانگرایی تا جوّ رختکن!

امیرمحمد سلطان پور: سرمربی روزی شیاطین سرخ بعد از پشت سر گذاشتن یک نیم فصل بالا و پایین های زیاد حالا خود را برای نخستین فصل کامل در اولدترافورد آماده می کند اما چه چالش هایی در مقابل اولّه گنار سولسشر در منچستریونایتد برای موفقیت قرار دارد؟

عایق کاری رختکن

تابستان برای منچستریونایتد در حالی سپری می شود که همچنان سرنوشت بعضی از چهره های کلیدی این تیم نامشخص است. یوگو بامفورد صورت علنی اعلام کرد که می خواهد منچستر را ترک کند اما با گذشت یک ماه از آن صحبت ها و مصاحبه اخیر سولسشر که تأکید کرد باشگاهی مثل آن ها مجبور به فروش بازیکنانش نیست، تا حدودی مسئله را حل کرده است. علامت سوال دیگر مسئولان این باشگاه پیرامون دخیاست که در حال رد شدن به آخرین سال قرارداد خود می باشد. یونایتد بشدت قصد دارد او را که ارائه داد و برای این کار پیشنهادی به شماره یک اسپانیا داده که وی را تبدیل به پردرآمدترین دروازه بان جهان می کند. اینکه چه سرنوشتی در انتظار یوگا و دخیاست البته اگر توجهی به شرایط نامشخص در ستاره دیگر یعنی لوکاکو و الکسیر سانچز نداشته باشیم، شاید از دسترس سولسشر خارج باشد. اما اینکه او چگونه در صورت حفظ و یا فروش آن ها می تواند رختکن خود را کنترل کند که در هر دو سناریو سخنی های خاص خود را دارد کاملاً بستگی به او دارد. شروع کار سولسشر در باشگاه منچستریونایتد بسامل هاقیل به عنوان مربی تیم آکادمی این باشگاه بر می گردد. پس جای تعجب نیست که او رویکردی مثبت به استفاده از جوانان در ترکیب خود داشته باشد.

این باشگاه در ترانسفرهای تابستانی خود تاکنون به سراغ دو چهره تشنه و جوان انگلیسی یعنی دنیل جیمز و آرون وان بیساکا رفته و همین طور در آستانه خرید شان لانگ استاف از نیوکاسل هستند. سیاست جوانگرایی رویکردی قابل ستایش و پسندیده است که با سنت های باشگاهی مثل یونایتد نیز سازگاری دارد اما پرورش دادن ستاره ها که مسلماً بخش اصلی آن با بازی دادن به آن ها محقق می شود در جو برفنار باشگاهی مثل یونایتد که برای کسب جام می جنگد می تواند کار سختی را برای سولسشر به وجود بیاورد.

پیدا کردن توازن در دفاع

درون زمین اصلی ترین قسمتی که منچستریونایتد باید برای ترمیم آن تلاش کند مسلماً خط دفاعی است. شیاطین سرخ در فصل گذشته ۵۴ گل دریافت کردند که حتی بیشتر از تیم هایی مانند پالاس و نیوکاسل بود که دوازدهم و سیزدهم شدند! یونایتد با خرید دفاع راست جنابی مثل وان بیساکا نخستین قدم را برای بهبود شرایط در بالشه ها خارج دید که دفاع مرکزی قابل اعتماد باید تا پایان پنجره نقل و انتقالاتی صورت بگیرد. آن ها چند بازیکن را مورد نظر قرار دادند که فعلاً در جذب هیچ کدام از آن ها موفق نبوده اند. مسلماً اگر بازیکنی مثل مگوایر از لستر خریداری شود به بهبود اوضاع کمک می کند. اما مشکل ساختار دفاعی بیشتر از چهره ها برای آن هامهم است چون فصل گذشته خیلی از اتفاقات بدی که برای خط دفاعی یونایتد می افتاد در همین مشکلات ساختاری و البته عدم پوشش مناسب از طرف خط هافبک به وقوع پیوست. و من در جریان آخرین وضعیت مالکیت این تیم نیستم، تلاش کردیم تا چراغ والیبال را روشن کنیم اما دوستان کمک رافراتر از حمایت می دانند، ما تصمیم به تیمداری در هیچ رشته‌ای نداریم.

دومین شکست شهرخودرو در بازی تدارکاتی

ورزش: تیم فوتبال شهر خودرو خراسان در دیدار دوستانه مقابل سایپا باشکست روبه رو شد.

شاگردان یحیی گل محمدی که برای برپایی اردوی آماده سازی خود راهی تهران شدند عصر پنجشنبه در بازی دوستانه مقابل سایپا باشکست ۲ بر یک روبه رو شدند. در این بازی تیم شهر خودرو در حالی که در نیمه نخست با بازیکنان اصلی خود بازی می کرد توانست با تک گل سعید صادقی برنده از زمین خارج شود. در نیمه دوم و با تصمیم کادر فنی بازیکنان جوان جایگزین نفرات اصلی شدند. کمال نیکخوی، امیرحسین حسین زاده و محمد شریفی در نیمه دوم برای سایپا گلزنی کردند.

تیم شهر خودرو خراسان پس از این بازی به استراحت می پردازد و از امروز تمرینات خود را مجدداً آغاز می کند.

خبر

ایران یک - لهستان ۳

شکست یوزهای شگفتی‌ساز!

ورزش: تیم ملی والیبال ایران در نخستین دیدار خود در مرحله نهایی لیگ ملت های والیبال مقابل لهستان با نتیجه ۳ بر یک شکست خورد. ایگور کولاکوویچ سرمربی تیم ملی والیبال پس از باخت سه بر یک ایران برابر لهستان در دور نهایی لیگ ملت ها گفت: بازی سختی برای ما بود. سخت تر اینست با بسیار خوب آغاز کردیم و واقعاً در فرم خوبی بازی کردیم اما در ست دوم تیم لهستان دفاع های خوبی انجام داد و ما در دریافت ها مشکل داشتیم. آن ها در ادامه بازی در سرویس نیز خیلی خوب عمل کردند.

عضو شورای شهر مشهد:

بدهی‌های پیام هیچ ربطی به شهرداری ندارد!

ورزش: عضو شورای شهر مشهد گفت: شهرداری قصد تیمداری در هیچ رشته‌ای را ندارد، ما وظیفه‌ای در قبال پرداخت بدهی های تیم والیبال پیام نداریم.

احسان اصولی در جمع خبرنگاران در خصوص وضعیت تیم پیام گفت: در فصل گذشته تیم پیام را حمایت کردیم، نمی دانم مالکیت تیم با چه کسی است. عضو شورای شهر مشهد با بیان اینکه بحث حمایت از تیم ها را قاعده مند در قالب حمایت از ورزش قهرمانی کرده ایم افزود: ادامه دادن به متقاضیانی همچون شهر خودرو تمایل به ورود در این رشته را دارند که در حال بررسی است. ما تصمیم گیری نمی کنیم و تنها کمک کردیم.

وی درباره بدهی های تیم والیبال پیام اظهار کرد: کسی که به تیم کمک کرد نباید بدهی های تیم را نیز پرداخت کند. این تیم چند دست چرخیده و من در جریان آخرین وضعیت مالکیت این تیم نیستم، تلاش کردیم تا چراغ والیبال را روشن کنیم اما دوستان کمک رافراتر از حمایت می دانند، ما تصمیم به تیمداری در هیچ رشته‌ای نداریم.

عضو شورای شهر مشهد: بدهی‌های پیام ربطی به شهرداری ندارد!

ورزش: عضو شورای شهر مشهد گفت: شهرداری قصد تیمداری در هیچ رشته‌ای را ندارد، ما وظیفه‌ای در قبال پرداخت بدهی های تیم والیبال پیام نداریم.

احسان اصولی در جمع خبرنگاران در خصوص وضعیت تیم پیام گفت: در فصل گذشته تیم پیام را حمایت کردیم، نمی دانم مالکیت تیم با چه کسی است. عضو شورای شهر مشهد با بیان اینکه بحث حمایت از تیم ها را قاعده مند در قالب حمایت از ورزش قهرمانی کرده ایم افزود: ادامه دادن به متقاضیانی همچون شهر خودرو تمایل به ورود در این رشته را دارند که در حال بررسی است. ما تصمیم گیری نمی کنیم و تنها کمک کردیم.

وی درباره بدهی های تیم والیبال پیام اظهار کرد: کسی که به تیم کمک کرد نباید بدهی های تیم را نیز پرداخت کند. این تیم چند دست چرخیده و من در جریان آخرین وضعیت مالکیت این تیم نیستم، تلاش کردیم تا چراغ والیبال را روشن کنیم اما دوستان کمک رافراتر از حمایت می دانند، ما تصمیم به تیمداری در هیچ رشته‌ای نداریم.

عضو شورای حل اختلاف شهرآشوبان پرسپولیس

حسن یزدانی: زیاد آماده ارسال وثایقمان هستیم

ایران داد تیم ارسال وثایقمان را به فدراسیون فوتبال

ورزش: حسن یزدانی مربی تیم فوتبال پرسپولیس از نخستین دیدار خود در مرحله نهایی لیگ ملت های والیبال مقابل لهستان با نتیجه ۳ بر یک شکست خورد. ایگور کولاکوویچ سرمربی تیم ملی والیبال پس از باخت سه بر یک ایران برابر لهستان در دور نهایی لیگ ملت ها گفت: بازی سختی برای ما بود. سخت تر اینست را بسیار خوب آغاز کردیم و واقعاً در فرم خوبی بازی کردیم اما در ست دوم تیم لهستان دفاع های خوبی انجام داد و ما در دریافت ها مشکل داشتیم. آن ها در ادامه بازی در سرویس نیز خیلی خوب عمل کردند.

عضو شورای شهر مشهد: بدهی‌های پیام هیچ ربطی به شهرداری ندارد!

ورزش: عضو شورای شهر مشهد گفت: شهرداری قصد تیمداری در هیچ رشته‌ای را ندارد، ما وظیفه‌ای در قبال پرداخت بدهی های تیم والیبال پیام نداریم.

احسان اصولی در جمع خبرنگاران در خصوص وضعیت تیم پیام گفت: در فصل گذشته تیم پیام را حمایت کردیم، نمی دانم مالکیت تیم با چه کسی است. عضو شورای شهر مشهد با بیان اینکه بحث حمایت از تیم ها را قاعده مند در قالب حمایت از ورزش قهرمانی کرده ایم افزود: ادامه دادن به متقاضیانی همچون شهر خودرو تمایل به ورود در این رشته را دارند که در حال بررسی است. ما تصمیم گیری نمی کنیم و تنها کمک کردیم.

وی درباره بدهی های تیم والیبال پیام اظهار کرد: کسی که به تیم کمک کرد نباید بدهی های تیم را نیز پرداخت کند. این تیم چند دست چرخیده و من در جریان آخرین وضعیت مالکیت این تیم نیستم، تلاش کردیم تا چراغ والیبال را روشن کنیم اما دوستان کمک رافراتر از حمایت می دانند، ما تصمیم به تیمداری در هیچ رشته‌ای نداریم.

عضو حل اختلاف شهرآشوبان پرسپولیس

حسن یزدانی: زیاد آماده ارسال وثایقمان هستیم

ایران داد تیم ارسال وثایقمان را به فدراسیون فوتبال

ورزش: حسن یزدانی مربی تیم فوتبال پرسپولیس از نخستین دیدار خود در مرحله نهایی لیگ ملت های والیبال مقابل لهستان با نتیجه ۳ بر یک شکست خورد. ایگور کولاکوویچ سرمربی تیم ملی والیبال پس از باخت سه بر یک ایران برابر لهستان در دور نهایی لیگ ملت ها گفت: بازی سختی برای ما بود. سخت تر اینست را بسیار خوب آغاز کردیم و واقعاً در فرم خوبی بازی کردیم اما در ست دوم تیم لهستان دفاع های خوبی انجام داد و ما در دریافت ها مشکل داشتیم. آن ها در ادامه بازی در سرویس نیز خیلی خوب عمل کردند.

آگهی فسخ سند مالکیت

آقای حسین چهل تیمور و خانم پریسا تیمور با تسلیم چهارگرگ استشهادی محلی معتبر به مبلغ خرید ۲۸۰۰۰۰۰۰ تومان بر اساس قرارداد ۹۸/۲/۱۹ مدعی است که خود حدود سه سال مالکیت شدهاند که به خود سند مالکیت دارند که به علت گم شدن سند مالکیت مشخصات سند مالکیت به شرح ذیل: پلاک ۱۲۶۴۷ فرعی از ۱۲۶ اصلی واقع در بخش ۱۶ بنام حسن یزدانی و پریسا تیمور به شماره ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۴۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۴۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۴۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۵۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۶۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۷۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۸۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۲۹۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۰۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۱۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۲۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۳۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۴۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۵۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۴ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۵ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۶ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۷ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۸ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۶۹ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۷۰ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۷۱ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۷۲ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۷۳ و ۲۲۳۹۲۰۲۰۰۰۰۱۶۳۷۴ و

خبر

وحید جلیلی در رونمایی
کتاب «اوسنه گوهر شاد» سعید تشکری:

واقعه مسجدگوهرشاد یک تراژدی بزرگ است

آستان نیوز: وحید جلیلی در مراسم رونمایی از کتاب «اوسنه گوهر شاد» گفت: واقعه مسجد گوهرشاد یک تراژدی بزرگ است و نیاز دارد در عرصه فرهنگ و هنر بیشتر به آن پرداخته شود.

مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در مراسم رونمایی از کتاب و مجموعه صوتی نمایشی «اوسنه گوهرشاد» که در فروشگاه مرکزی کتاب و محصولات فرهنگی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) برگزار شد، گفت: ترسیم حماسه‌ها، فداکاری‌ها، از جان گذشتگی‌ها و زنده نگهداشتن نام و یاد شهدا، شادی را در جامعه افزایش می‌دهد و غم و ترس را از جامعه می‌گیرد. اگر هنرمندان قلم خود را در مسیر شهدا به کار گیرند قطعاً جامعه ما به سمت پیشرفت حرکت خواهد کرد. این نویسنده و فعال فرهنگی با اشاره به اینکه هنر برای جامعه ایرانی یک اصل است و هنرمندان باید تلاش کنند مسلمان ایرانی گم نشود، افزود: اگر ایرانی هویت خود را از دست بدهد، به فردی سرگردان تبدیل می‌شود که هر گونه بلایی او را تهدید می‌کند.

جلیلی از سعید تشکری، مؤلف کتاب «اوسنه گوهر شاد» به عنوان نویسنده‌ای یاد کرد که سال‌هاست دغدغه هویت ایرانی - اسلامی دارد و افزود: آثار مکتوب این نویسنده خرج راهبرد درست در جهت غنای فرهنگی و هنری این هویت شده است که در سال‌های آینده بهتر شناخته خواهد شد.

وی ادامه داد: کتاب «اوسنه گوهرشاد» ویژه نوجوانان نوشته شده و جنس روایت این کار بسیار خوب است. در دل این کتاب یک حادثه تلخ برای نوجوانان به شکل بسیار جالب روایت می‌شود. جلیلی افزود: رژیم پهلوی در این حادثه صدها نفر را به بهانه کشف حجاب در مسجد گوهرشاد قتل‌عام و آنان را در گورهای دسته جمعی دفن کرد و این جنایت بزرگ در مسجدی رخ داد که به نام یک زن بود. سعید تشکری نویسنده کتاب «اوسنه گوهرشاد» نیز گفت: نویسندگی باید با تعهد و خلاقیت همراه باشد و رابطه بین ادبیات متعهد و خلاق زمانی است که ما به وقف می‌رسیم. وی با اشاره به اینکه موضوع کتاب «پاریس پاریس» نیز مسجد گوهرشاد بود، افزود: این اثر محکوم به غربت بود ولی خوشحالم که کتاب «اوسنه گوهرشاد» فرزند زمانه خودش است و در انتشاراتی وابسته به بارگاه قدسی امام رضا(ع) در باب ادبیات رضوی منتشر شده است. وی ادامه داد: متأسفانه آثاری که در زمینه ادبیات متعهد چاپ می‌شود، بسیار کم است و ما در اقلیت هستیم. آثار غیر متعهد با استقبال گسترده روبه‌رو و تجدید چاپ و حتی ترجمه می‌شوند، ولی آثار متعهد محدود است و تکثر پیدا نمی‌کند.

گفت‌وگو با رضا فهیمی، کارگردان فیلم سینمایی «دوباره زندگی»

دنبال نشان‌دادن اصالت‌ها بودم نه فقر

فرهنگ و هنر / فاطمه عامل نیک | رضا فهیمی کارگردان جوانی است که با ساخت فیلم کوتاه «کودکان ابری» جوایز بسیاری را در داخل و خارج از کشور دریافت کرده است. او پس از چند کار کوتاه به سراغ ساخت نخستین فیلم بلند سینمایی خود «دوباره زندگی» رفت که در حال حاضر در گروه هنر و تجربه به نمایش گذاشته شده است. فیلمی درباره پیرمرد و پیرزنی که دوران کهولت سن را پشت سر می‌گذارند و از تنهایی و غربتی که دچارش شده‌اند، می‌ترسند و به همین خاطر تصمیم می‌گیرند به خانه سالمندان بروند، اما دست روزگار مانع از این کار آن‌ها می‌شود. «دوباره زندگی» نخستین فیلم بلند فهیمی با وجود مشخصه‌های سینمایی که دارد، مجال اکران به صورت گسترده بر پرده سینماهای کشور را بدست نیاورده و گروه «هنر وتجربه» این فیلم را در سینماهای خود به نمایش درآورده است. به انگیزه اکران این فیلم در سینماها با رضا فهیمی، کارگردان آن گفت‌وگویی انجام دادیم که پیش روی شما ست.

◆ چطور پس از چند کار در حوزه کودکان به سراغ سالمندان رفتید؟

در این مورد خانم آدینه هم جمله‌ای در یکی از مصاحبه‌های اخیرشان گفته‌اند که من متعجب بودم که یک جوان با این سن و سال دست گذاشته روی زندگی دو سالمند! در جواب باید بگویم من همیشه به سراغ افرادی رفته‌ام که می‌شناختمشان! بر همین اساس من در کارهایم به دو گروه که می‌شناختمشان و برایم اهمیت داشتند پرداخته‌ام؛ یکی کودکان و دیگری سالمندان. این دو گروه در ظاهر تفاوت‌هایی دارند اما اگر توجه کنید می‌بینید که کودک نیاز به مراقبت و توجه دارد؛ زودرنج و حساس است؛ سالمند هم تقریباً همین ویژگی‌ها را دارد و نیازمند پرستاری و توجه است. من در عین نزدیکی به کودکان و فعال بودن کودک درونم، با قشر سالمند هم زیاد بوده‌ام. من در دوره‌ای از پدربزرگ و مادربزرگم پرستاری می‌کردم که هنوز خودم کم سن و سال بودم. شاید عجیب باشد که یک کودک از سالمندان پرستاری کند، اما این تجربه سبب شد قشر سالمند در کنار کودکان برای من بسیار مهم بشود.

◆ در ابتدای داستان دو شخصیت فیلم بشدت تنها و منزوی تعریف می‌شوند. انگار همه حتی فرزندشان آن‌ها را از یاد برده‌اند. ما حتی تصویری از آقای اعتمادی که فرد مورد اعتماد این دو نفر است را هم نمی‌بینیم، این میزان تأکید روی تنهایی این افراد اغراق‌آمیز نیست؟

من در پاسخ یک پرسش از شما دارم، آیا اتفاقات فیلم را باور کردید یانه؟ بله، ما در این فیلم آقای اعتمادی را نمی‌بینیم. پسر و عروس این پیرزن و پیرمرد را نمی‌بینیم. فقط یک سری سیاهی‌ها و جمعیت‌هایی را می‌بینیم که گاه‌گداری دیده می‌شوند و ما به هیچ عنوان به هیچ‌کدام نزدیک نمی‌شویم. مهم این است که ما به دنبال این بودیم که کانسپت اصلی فیلم و مفهوم آن توسط مخاطب درک شود. بی‌شک اگر مخاطب این موقعیت را باور نکند ما شکست خورده‌ایم، بازخوردها نشان می‌دهد که این فضای خلوت، تنهایی، یأس و ناامیدی اصلان دیده شده و مخاطب آن را پذیرفته‌است. اگر دقت کنید این دو آدم هم از بعد فضای نمایشی و هم از بعد فضای حقیقی فیلم تنها هستند. من در کارگردانی کار تلاش کرده‌ام تا می‌شود از این دو نفر دور باشم، حتی در نماهای اندکی که به آن‌ها نزدیک می‌شویم باز هم فاصله‌مان را با آن‌ها حفظ می‌کنیم و وارد خلوتشان نمی‌شویم. این بدان خاطر است که تلاش داشتیم کانسپت اصلی فیلم که تنهایی و غربت این دو نفر است، دربیاید و مخاطب را به آن باور و حسی که در صحنه موجود است برسانیم.

◆ ترک خانه و رفتن به خانه سالمندان چرا مترادف با تمام شدن زندگی تعریف می‌شود، اگر دو نفر هیچ یار و کمکی نداشته و ناتوان باشند چه ایرادی دارد کمک بگیرند؟

یک لحظه تصور کنید که یک مادر چه زحمت‌هایی در زمان بارداری و پس از آن، به‌خاطر فرزندش متقبل می‌شود و از آن طرف پدر برای انجام مسئولیتش به چه زحمت‌هایی می‌افتد. زحمتی که مداوم است و تا بزرگسالی فرزندان ادامه دارد و پس از اینکه فرزندان بزرگ می‌شوند، این دو نفر که بسیار سختی دیده و زحمت کشیده‌اند و در مرحله‌ای هستند که نیازمند توجه و کمک از طرف اطرافیانشان هستند، گاه رها می‌شوند و راهی جز رفتن به خانه سالمندان ندارند. این مقدمه را گفتم تا توضیح بدهم که ریحان و اصلان نماینده همه انسان‌ها در جامعه کنونی هستند که روز به روز تنهاتر می‌شوند. خانه سالمندان از نظر من مساوی مرگ بود. انگار اصلان از ریحان می‌پرسد آماده شده‌ای برویم بمیریم؟ چون دیگر کسی را نداریم و تنها هستیم و در مقابل ریحان است که تلاش می‌کند به اصلان امید بدهد و او را به زندگی بازگرداند.

◆ در قاب‌های دقیق شما مانند نیمه شبی که زن از پیرمرد و کودک با هم مراقبت می‌کند، وسواس زمان دیده می‌شود اما تصاویر تکراری هم دارید، مثل سکانس‌های مربوط به جمع کردن وسایل خانه یا ایده تکراری چراغانی و ترکیدن لامپ‌ها! با این همه وسواس چطور از این تکرارها جلوگیری نکردید؟

تکرار در این فیلم تعمدی است و بخشی از تکنیک من در دکوپاژ بود. به جز این مواردی که اشاره کردید در صحنه‌های دیگر هم می‌بینید. در مورد صحنه‌ای که اشاره کردید ما می‌بینیم که با کشیده‌شدن پرده‌ها نور از خانه رفته و همه وسایل دارند به نوعی برای خواب آماده می‌شوند، پس از آن با تماس امیر، پسر خانواده و برگشت او طبیعتاً باید همه چیز به سرجای خود برگردد؛ در اینجا هدف بازگشت نور به خانه بود. در ضرب‌المثل هم شنیده‌ایم که می‌گویند همیشه چراغ خانه‌ات روشن باشد. اینجا هدف از تأکید روی این اتفاقات، ورای دلایل زیباشناسانه، از نظر معنا برایم حائز اهمیت بود که نور به این خانه وارد شده و چراغش دوباره روشن می‌شود. در مورد چراغانی هم تصور نمی‌کردم قابل پیش‌بینی باشد!

برش

من پس از اینکه با آقای شمس لنگرودی کارکردم به این نتیجه رسیدم که دیگر نباید گفت شاعر بازیگر بلکه باید گفت بازیگر شاعر

◆ انتخاب لوکیشن کار یکی از نقاط قوت در فیلم است. خانه‌ای قدیمی که اصالتش را حفظ کرده، سرپا اما خاموش است. ما باورمی‌کنیم که این دو نفر سال‌ها در این خانه زندگی کرده‌اند. چطور به این خانه رسیدید؟

در مورد پیدا کردن خانه من یک وسواسی داشتم. شاید نزدیک به ۲۰ روز در کنار کارهای دیگری که انجام می‌دادیم در جست‌وجوی خانه نیز بودیم و در این مدت نزدیک به ۳۵ خانه را دیدم. هر بار که به خانه‌ای وارد می‌شدیم، در بدو ورود می‌گفتم نه این نیست! این خانه قدیمی نیست. دنبال یک خانه قدیمی و درب و داغان نیستم که فقر از سر و رویش می‌بارد. پس از ۳۵ خانه، این خانه پیدا شد که به دلیل اینکه در بالای شهر واقع شده بود، مقداری هم هزینه‌اش بالا بود. لحظه‌ای که وارد خانه شدم گفتم خودش است. حال خانه همان حال بود. جالب اینکه ما در فیلم‌نامه یک درخت خرمالو داشتیم و دقیقاً این خانه هم درخت خرمالو داشت. حالا چرا این خانه؟ من دنبال خانه‌ای بودم که در و دیوار خانه اصالت داشته باشد. ریحان و اصلان آدم‌های فقیری نیستند. آدم‌های اصیلی هستند، در نتیجه یک خانه با اصالت می‌خواستند. پرده‌هایی که به پنجره‌های این خانه آویخته شده‌اند اکنون شاید قیمتی نداشته باشند، ولی ارزش معنوی خیلی زیادی دارند، چون ۴۰-۳۰ سال پیش این پرده‌ها برای خودش بروبیایی داشته است. اصیل بوده‌اند. من می‌خواستم با این خانه و همه آکسسواری که چیده شد نشان بدهم این‌ها فقیر نیستند و متعلق به یک طبقه متوسط اصیل و آبرومند هستند.

◆ در بعضی از فیلم‌های سینما اهمیت لوکیشن از بین رفته و کارها را در محیط‌های مشابه می‌بینیم. به نظرتان دلیلش چیست؟

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. پیدا کردن یک لوکیشن و بازیگر خوب، مجاب کردن یک بازیگر خوب، داشتن قاب‌های زیبا و حرکت‌های خوب این‌ها همه اش مشروط به این است که به شما بها بدهند و اجازه بدهند که یک چنین کاری را انجام بدهید. البته این حرف در مورد کسانی است که می‌توانند این کار را انجام بدهند و در سلیقه و توانشان است. این را هم بگویم که نخستین بار بود ما در این خانه فیلم‌برداری کردیم. داشتن چنین خانه‌ای به این خاطر محقق شد که من تهیه‌کننده‌ای داشتم که همراه من بود و به من اعتماد کرد.

◆ در مورد بازیگرها نگران این نبودید که یک بازیگر باسابقه مانند گلاب آدینه کنار آقای لنگرودی قرار بگیرند که یکی دو فیلم بیشتر بازی نکرده‌اند؟

ابتدا یک نکته‌ای را در مورد آقای لنگرودی بگویم. من پس از اینکه با ایشان کار کردم به این نتیجه رسیدم که دیگر نباید گفت شاعر بازیگر، بلکه باید گفت بازیگر شاعر، چون ایشان به همان اندازه حرفه‌ای و دقیق بودند و در کارشان وسواس داشتند. این دو عزیز انتخاب اول من بودند و زمانی که این کار را قبول کردند برای خود من هم خیلی جذاب بود که ببینم این ترکیب چه خواهد شد. به نظر من کارگردانی یعنی همین! از نظر من کارگردانی یعنی همین که اگر مقابل گلاب آدینه بازیگری می‌آوردیم که سابقه بازیگری‌اش به اندازه سابقه گلاب آدینه بود، باز هم باید سطح بازیشان یکی می‌شد. باز هم باید کاری می‌کردم که اصلان، اصلان باشد، ریحان، ریحان باشد و مخاطب به اسم خود بازیگر کاری نداشته باشد.اگر هر دو بازیگر خودشان خودجوش و خودکار بروند جلو، پس کارگردان به جز بازیگردانی چه کرده‌است؟ من در فیلم‌های گذشته‌ام با نابازیگرها کار کرده‌ام. آنجا هم به کمک بازیگردانم موفق شدیم از آن‌ها بازی بگیریم که اکنون در سینمای بدنه مشغول به کار شده‌اند. به نظر فیلم‌سازی چیزی جز این نیست که نشدنی‌ها را عملی کنیم.

سالن‌های مجهز و مدرن همایش و کنفرانس خبری
مؤسسه فرهنگی قدس

سالن همایش	سالن کنفرانس خبری	اتاق ویژه جلسات
۲۲۰ نفر	۱۱۰ نفر	۲۵ نفر

شماره تماس رزرو و هماهنگی
(۰۵۱)۳۷۶۸۵۰۱۱
مشهد؛ نبش سجادیک

ویدئو پرژکتور | پرده نمایش و تلویزیون | اتاق مانیتورینگ | تجهیزات صوتی پیشرفته | امکانات تصویربرداری | سالن پذیرایی مجزا

آگهی فراخوان جذب سرمایه‌گذار
پروژه مجتمع چند منظوره میدان شهداء (نوبت دوم)

شهرداری تربت جام در نظر دارد اجرای پروژه چند منظوره تجاری، اداری، رفاهی و پارکینگ طبقاتی در محل ساختمان فعلی شهرداری به مساحت ۳۲۷۸ مترمربع واقع در حاشیه میدان شهداء (شهرداری)، بلوار امام خمینی و خیابان ۲۲ بهمن که یکی از مرغوب‌ترین نقاط شهر تربت جام بدین منظور می‌باشد از طریق جذب سرمایه‌گذار و به صورت مشارکتی اجرا نماید.

لذا از کلیه متقاضیان و سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی دعوت می‌کند جهت دریافت اسناد فراخوان به مدت ۳۰ روز به شهرداری تربت جام اداره طرح و برنامه، اداره سرمایه‌گذاری و مشارکت مراجعه و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۱۴- ۵۲۵۲۷۹۱۱- ۰۵۱ تماس حاصل فرمایند.

سایر شرایط: * شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

* جهت دریافت اسناد از تاریخ ۹۸/۰۴/۱۵ لغایت ۹۸/۰۵/۰۲ به اداره طرح و برنامه مراجعه نمایند.
* آخرین مهلت تحویل پیشنهادات پایان وقت اداری مورخ ۹۸/۰۵/۲ می‌باشد.
* جهت کسب اطلاعات بیشتر با واحد طرح و برنامه آقای احمد جامی الاحمدی تماس حاصل نمایند. شماره تماس ۱۴- ۵۲۵۲۷۹۱۱- ۰۵۱
* شرایط و ضوابط در اسناد مربوط با توضیحات کامل درج گردیده است.

شهردار تربت جام- سیدعلی حسینی

۴۹۸۰۴۳۳۴

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۱۴۴/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۱۷۹۶
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۸۹۷ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
دفترخانه ازدواج شماره ۱۰۳ شهر مشهد استان خراسان رضوی
آگهی
بدین وسیله به وراث محمدرضا کیوانی دولوئی (۱- سمانه کیوانی دولوئی نام پدر: محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۱/۰۶/۲۲ شماره ملی: ۰۹۴۱۲۸۶۹۳۲ شماره شناسنامه: ۲۷۶۸ به نشانی: مشهد- کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ ۲- سمیرا کیوانی دولوئی نام پدر: محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ شماره ملی: ۰۹۴۴۷۹۳۳۴۷ شماره شناسنامه: ۱۷۶۹۰ به نشانی: مشهد- کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ ۳- کوکب کیوان‌فر نام پدر: مختار تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۰۳/۲۶ شماره ملی: ۰۹۱۹۳۹۳۱۶۰ شماره شناسنامه: ۱۵ به نشانی: مشهد- کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ ۴- ابراهیم کیوانی دولوئی نام پدر: محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۱۲/۰۶ شماره ملی: ۰۹۴۴۶۵۸۴۱۵ شماره شناسنامه: ۴۱۰۴ به نشانی: مشهد- کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲) ابلاغ می‌شود که خانم مرضیه بهرامی‌فر جهت وصول ۶۰۰/۰۰۰ هزار ریال به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۲۷۳- ۱۳۵۸/۰۶/۲۸ دفتر ۱۰۳ ازدواج علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۱۷۹۶ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۶ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۴۷۶۳ م.الف ۲۷۹
رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- علیرضا لعلی

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۳۶۰/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۲۱۲۳
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۸۸۷ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
دفترخانه ازدواج شماره ۴۹ و طلاق شماره ۶ شهر مشهد استان خراسان رضوی
آگهی ابلاغ اجرائیه پرونده کلاسه ۹۸۰۲۱۲۳
بدین وسیله به آقای جواد گلابی نام پدر: قدیر تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۰۱/۰۱ شماره ملی: ۰۹۴۱۵۸۸۴۸۳ شماره شناسنامه: ۶۴ به نشانی: مشهد بلوار وکیل‌آباد شهرک صدف بین ۳۱ و ۳۳ ابلاغ می‌شود که خانم سمیرا حدادی جعد وصول ۸۰ عدد سکه بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۳۰۷۹۶ دفتر ۴۹ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۲۱۲۳ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۳۰ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۴۷۶۵ م.الف ۲۸۰
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- زهرا تاهمای کلاغ‌آباد و علیرضا لعلی

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۱۳۷۹/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۹۱۱۱
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۱۴۱۶ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷
آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۱۳۷۹
بدینوسیله به خانم حلیمه نژاد خیراله نام پدر: محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۰۳/۰۱ شماره ملی: ۰۹۰۱۲۸۳۰۴۵ شماره شناسنامه: ۶۵۸ و آقای عباس رجب‌زاده نام پدر: حبیب‌اله تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۰۴/۲۶ شماره ملی: ۰۹۰۱۱۴۷۳۷۰ شماره شناسنامه: ۴۹۳ بدهکار پرونده کلاسه ۹۷۰۹۱۱۱ که برابر گزارش ۱۳۹۷/۱۲/۰۴ مأمور پست آدرس شما شناخته نگردیده ابلاغ می‌گردد که برابر قرارداد بانکی: شماره سند: ۲۶۹۴۱۸۴۶۷، تاریخ سند: ۱۳۹۴/۰۶/۱۷، بین شما و بانک سپه مبلغ: ۸۱۲/۹۳۶/۵۸۰ ریال (هشتصد و دوازده میلیون و نهصد و سی و شش هزار و پانصد و هشتاد ریال) شامل: اصل طلب: ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال- سود: ۱۸۶/۹۶۰/۴۷۰ ریال- خسارت تأخیر تأدیه: ۳۲۵/۹۷۶/۱۱۰ ریال- خسارت تأخیر روزانه: ۲۸۵/۰۰۰ ریال، تاریخ مبنای محاسبه خسارت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۴ تا وصول کامل مطالبات بدهکار می‌باشید که بر اثر عدم پرداخت وجه بستانکار درخواست صدور اجرائیه نموده پس از تشریفات قانونی اجرائیه صادر و بکلاسه فوق در این اجراء مطرح می‌باشد لذا طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی بشما ابلاغ می‌گردد از تاریخ انتشار این آگهی که تاریخ ابلاغ اجرائیه محسوب است فقط یک نوبت در روزنامه خراسان چاپ درج و منتشر می‌گردد ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرائی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. آ- ۹۸۰۴۷۶۸ م.الف ۲۸۱
اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۲۲۷۰۰۰۰۴۲/۲ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۸۵۲
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۹۰۵ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ پرونده شماره: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۲۲۷۰۰۰۰۴۲/۲
بدینوسیله اعلام می‌گردد در خصوص پرونده اجرایی کلاسه ۹۸۰۰۸۵۲ له: خانم مهری قدوسی هروی علیه: وراث مرحوم محمد حجار (محبوبه حجار به شماره ملی ۰۹۳۳۳۳۷۳۳۷ و مهشید حجار به شماره ملی ۰۹۴۰۸۲۰۴۹۸ و مجید حجار به شماره ملی ۰۹۴۰۶۸۱۷۸۱ و مسعود حجار به شماره ملی ۰۹۳۳۲۰۵۹۳۷ و مهدیه حجار به شماره ملی ۰۹۳۳۳۳۷۳۲۹ و مهسا حجار به شماره ملی ۰۹۴۵۱۳۸۱۷۲) حساب بانکی تجارت مرحوم در قبال طلب بستانکار بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آئین‌نامه اجرای مراتب بشما اخطار میشود ضمناً هرگونه نقل انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی‌شود. در ضمن این آگهی در یک نوبت در روزنامه..... چاپ..... منتشر گردیده است. آ- ۹۸۰۴۷۷۰ م.الف ۲۸۲
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد- زهرا تاهمای کلاغ‌آباد و علیرضا لعلی

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۰۴۰۵/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۲۵۲۷
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۱۷۳۴ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه ۹۸۰۲۵۲۷
بدین وسیله به آقای مجید هادی‌زاده نام پدر: محمد تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۰۶/۰۸ شماره ملی: ۰۹۳۹۶۷۵۱۹۶ شماره شناسنامه: ۲۰۲۴ ابلاغ می‌شود که آقای کمال یدالهی جهت وصول ۲۹۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست و نود و هشت میلیون ریال) به استناد چک شماره ۲/۵۲۲۹۰۷ تاریخ چک ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ عهده بانک سپه علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۲۵۲۷ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۳ مأمور پست مشهد، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۴۷۲۲ م.الف ۲۸۳

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۰۳۱۲/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۱۷۹۵
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۱۶۰۹ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰
آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه ۹۸۰۱۷۹۵
بدین وسیله به آقای مجید هادی‌زاده نام پدر: محمد تاریخ تولد: ۱۳۵۴/۰۶/۰۸ شماره ملی: ۰۹۳۹۶۷۵۱۹۶ شماره شناسنامه: ۲۰۲۴ ابلاغ می‌شود که آقای کمال یدالهی جهت وصول ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سیصد میلیون ریال) به استناد چک شماره ۲/۵۲۲۹۰۶ تاریخ چک ۱۳۹۷/۰۱/۱۰ عهده بانک سپه علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۱۷۹۵ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ مأمور پست مشهد، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۴۷۷۳ م.الف ۲۸۴

شماره پرونده: ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۵۹۷/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۸۰۰۸۶۹
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۹۳۵
تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
دفترخانه ازدواج ۹ شهر مشهد استان خراسان رضوی
آگهی ابلاغ اجرائیه
بدین وسیله به آقای مجید مطبوعی زارعی نام پدر: محمد تاریخ تولد: ۱۳۷۲/۰۳/۰۳ شماره ملی: ۰۹۲۲۲۵۷۹۸۱ شماره شناسنامه: ۰۹۲۲۲۵۷۹۸۱ ابلاغ می‌شود که خانم مریم ثوابی طرقی جهت وصول مهریه به تعداد ۱۱۴ عدد سکه تمام بهار آزادی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۵۴۰۲ دفترخانه ازدواج ۹ مشهد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۰۸۶۹ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۸/۰۳/۰۱ مأمور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت. آ- ۹۸۰۴۷۲۴ م.الف ۲۸۵
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۳۰۰۰۰۰۹۹/۲ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۹۸۶۴
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۲۰۰۵۹۴۰ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ پرونده شماره: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۲۳۰۰۰۰۰۹۹/۲
بدینوسیله اعلام می‌گردد در خصوص پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۹۸۶۴ له: خانم منصوره صدیقی گروی علیه: ورثه مرحوم ارسلان دهقان گرو (بدل دهقان گرو و فیروزه بیگم حسینی گرو و عارف دهقان گرو و عرفان دهقان گرو) دیه متعلق به مرحوم در قبال طلب خانم منصوره صدیقی گروی بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آئین‌نامه اجرای مراتب بشما اخطار میشود ضمناً هرگونه نقل انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمی‌شود. آ- ۹۸۰۴۷۷۵ م.الف ۲۸۶
مسئول شعبه دوم اداره اجرای اسناد رسمی مشهد

شماره پرونده: ۱۳۹۷۰۴۰۰۶۰۹۳۰۰۱۴۹۶/۱ شماره بایگانی پرونده: ۹۷۰۹۹۲۰
شماره ابلاغیه: ۱۳۹۸۰۵۱۰۶۰۹۳۰۰۱۷۳۶ تاریخ صدور: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸
آگهی ابلاغ رأی ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرا
بدین وسیله به آقای امیر فاتحی دریانلو نام پدر: حسن تاریخ تولد: ۱۳۶۳/۰۴/۰۵ شماره ملی: ۰۹۴۲۱۲۱۲۷۹ شماره شناسنامه: ۱۵۵۳ ابلاغ می‌شود در خصوص رسیدگی به اعتراض شخص ثالث (آقای سیداحسان طباطبایی) به عملیات اجرایی وارده به شماره ۴۵۳۴- ۱۳۹۸/۰۴/۰۶- موضوع پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۹۹۲۰ متعهد: امیر فاتحی دریانلو- متعهدله: امیررضا مرادی‌زاده نظریه رئیس ثبت به شرح بین الهلالین به شما ابلاغ می‌گردد. مقتضی است در صورتی که به نظریه مذکور اعتراض دارید، ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ کتباً به شعبه سوم اداره اجرا اعلام نمائید. ضمناً به اعتراضی که خارج از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد. ((نظر به مفاد گزارش و دادنامه ارائه شده مبنی بر اثبات وقوع عقد بیع در خصوص خودرو توقیف بنظر میبایستی نسبت به رفع بازداشت خودرو مذکور اقدام گردد لیکن از آنجائی که در دادنامه به صراحت به رفع بازداشت خودرو توقیفی اشاره نشده است لذا وفق ماده ۱۶۹ آئین‌نامه مراتب به طرفین پرونده ابلاغ شود» آ- ۹۸۰۴۷۷۶ م.الف ۲۸